

# توجه سلجوقیان به «شاهنامه»

فیروز منصوری

خروشی خروشیدم از پشت زین  
که چون آسیا شد بریشان زمین.<sup>۴</sup>

در قرن ششم هجری، شاهنامه فردوسی سخت مورد توجه و تکریم دانشمندان و سخن‌سنجان بوده و برای آن ارج فراوانی قایل می‌شده‌اند. بنابه نوشته راوندی، در مجلس آرای سلطان طغرل، ادبا و شعرا و دانشمندان شرکت می‌کردند که یکی از آنها شمس‌الدین احمدبن منوچهر شصت کله بوده است، وی از راهنمایهای استاد خود، سید اشرف حسن غزنوی (وفات: ۵۵۶هـ.ق)، برای تمرین طبع و پرورش قوه شاعری، در مجلس سلطان چنین روایت کرده بود: «سید اشرف به همدان رسید و در مکتبها می‌گردید تا که را طبع شعر است. مصرعی به من (منوچهر شصت کله) داد تا بر آن وزن دو سه بیت گفتم، به سمع رضا اصغا فرمود و مرا بدان بستود و حث و تحریض واجب داشت و گفت: از اشعار متأخران، چون عمادی و انوری و سید اشرف و بلفرج زونی، و امثال عرب و اشعار تازی و حکم شاهنامه آنچه طبع تو بدان میل کند قدر دویست بیت از هر جا اختیار کن و یادگیر و برخواندن شاهنامه مواظبت نمای تا شعر به غایت رسد.»<sup>۵</sup>

راوندی در بزرگداشت شاهنامه سخن‌ها رانده و آن را برترین و گرامترین کتابها دانسته است: «نام نیک مطلوب جهانیان است، و در شاهنامه، که شاه‌نامه‌ها و سردفتر کتابهاست، مگر بیش از هزار بیت مدح نیکونامی و دوستکامی هست.»<sup>۶</sup>

شاهد دیگر: «و در شاهنامه، که شاه‌نامه‌ها و سردفتر کتابهاست، وصف مازندران خوانده بودم.»<sup>۷</sup>

راوندی بیشترین صفحات کتابش را با اشعار شاهنامه آراسته

حاشیه:

- ۱) راحة الصدور و آية السرور، نجم‌الدین ابی بکر محمدبن علی بن سلیمان راوندی، علی اکبر علمی، تهران، ۱۳۴۳، ص ۴۴
- ۲) همان، ص ۳۳۳.
- ۳) همان، ص ۳۶۸. راوندی گرز گران سلطان طغرل را نیز وصف کرده است.
- ۴) تاریخ جهانگشای جوینی، به سعی و اهتمام محمد عبدالوهاب قزوینی، چاپ لیدن، ۱۹۱۶، ج ۲، ص ۳۱.
- ۵) راحة الصدور، ص ۵۷ و ۵۸.
- ۶) همان، ص ۵۹.
- ۷) همان، ص ۳۵۷.

سلجوقیان، پس از استیلا و استقرار در ایران و روم، شیفته فرهنگ ایرانی شدند و به زبان فارسی و فرهنگ ایران خدمتها کردند. سلاطین سلجوقی به تذهیب و نقاشی کتابهای مورد علاقه خود می‌پرداختند. مؤلف کتاب راحة الصدور و آية السرور، پس از ذکر خط آموختن سلطان طغرل ابن ارسلان از محمودبن محمدبن علی راوندی در سال ۵۷۷ هـ.ق، چنین می‌نویسد: «چون خط منسوب شد تبرک کرده به کلام رب العالمین و تمسک به حدیث سید المرسلین که خیر من کتب بسم الله الرحمن الرحیم فأحسن خطه غفرله، مصحفی سی پاره مبدا کرد و می‌نوشت و نقاشان و مذهبان را بیاورد تا هرچ او می‌نوشت ایشانش به زر حل تکحیل می‌کردند. هر جزوی سی پاره صد دینار مغربی خرج می‌شد.»<sup>۱</sup>

همچنین در صفحه ۵۷ این کتاب آمده است «و سبب تألیف این کتاب آن بود که در شهور سنه ثمانین و خمس مائه خداوند عالم، رکن الدنیا والدین طغرل بن ارسلان را هوای مجموعه‌ای بود از اشعار؛ خال دعاگوی، زین الدین، می‌نوشت و جمال نقاش اصفهانی آن را صورت می‌کرد و خداوند عالم بر آن مجلس می‌آراست.»

طغرل بن ارسلان علاوه بر مجلس آرای و گردآوری اشعار، خود نیز شعر می‌گفت و جدول می‌آراست. راوندی می‌نویسد: «شعرهای او در زبان عوام مشهور و مذکورتر از آن است که با شرح حاجت افتد.... و این دویستی دیگر در تاریخ سنه خمس و ثمانین و خمس مائه بنوشت و به دست مبارک خود به زر حل تکحیل کرد و به اتابک شهید و پادشاه کریم، مظفر الدنیا والدین، قزل ارسلان فرستاد.»<sup>۲</sup>

طغرل در میدانهای نبرد، بر حسب عادت، پیشاپیش لشکریان شاهنامه می‌خواند. عطا ملک محمدبن محمد جوینی، جنگ اینانج با طغرل و کشته شدن وی را در شهرری، چنین به قلم آورده است: «چون اینانج نزدیک رسید او نیز تعبیه لشکر کرد و لباس حرب پوشید. سلطان طغرل را گرژی گران<sup>۳</sup> بودست که بدان مباحات نمودی و در پیش لشکر می‌راند و بر عادت این ابیات شاهنامه را می‌خواند:

چو زان لشکر گشن برخاست گرد  
رخ نامداران ما گشت زرد  
من آن گزریک زخم برداشتم  
سپه را همان جای بگذاشتم



یک صفحه از شاهنامه (۱۲۱۰-۱۲۰۰ م.)  
محفوظ در مجموعه «اجیت گوز» کلکته.

معروف خود، الاوامر العلائیه فی الامور العلائیه از ستایش فردوسی دریغ نموده و این گونه از او یاد کرده است: «... خدایگان سلاطین کلام و مالک الرقابِ عملهُ اَقلام، غَوّاص بحار حکم، پیشوای حکمای عرب و عجم، فردوسی طوسی رضی الله عنه»<sup>۹</sup> و در جایی دیگر او را «سلطان ممالک کلام»<sup>۱۰</sup> خوانده است.

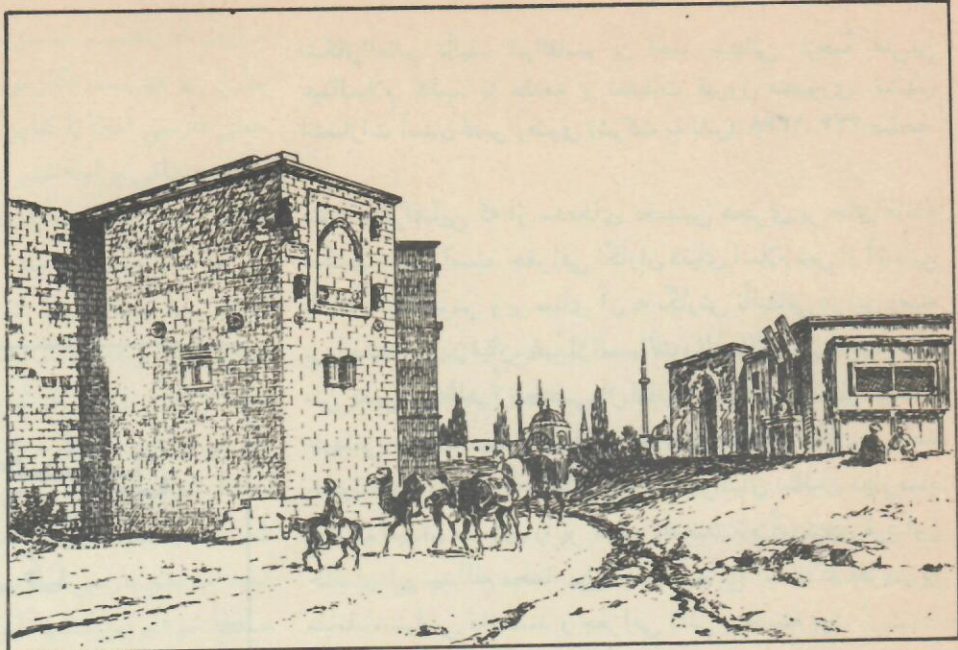
شاهنامه منقور بر تخته‌های مرمر. علاءالدین کیقباد اول (۶۱۶ تا ۶۳۴ هـ ق)، پادشاه لایق و هنرمند سلاجقه روم و حامی دانشمندان، در سال ۶۱۶ هـ در قونیه بر تخت سلطنت نشست. شهر تاریخی قونیه تا آن زمان برج و بارو نداشت، به فرمان علاءالدین کیقباد در سال ۶۱۸ برگرد شهرهای قونیه و سیواس سوره‌های عظیم سنگی کشیدند. سور قونیه با سنگهای بزرگ و تراشیده بنا شده بود و ۱۲ دروازه با مناره‌های محتشم داشت. دیوارهای این حصار سنگی و با شکوه با نقاشیهای زیبایی تزیین یافته و هیكلهای پهلوانان و شیرهای نر و عقابها را از سنگ تراشیده و به صورت برجسته در سر و سینه سور و بروج تعبیه کرده بودند. کتیبه یکی از دروازه‌های حصار را، به درخواست علاءالدین کیقباد، مولانا جلال‌الدین رومی نوشته بود که آن نوشته را در سنگ مرمر حک و بر بالای دروازه نصب کرده بودند. متن این کتیبه چنین بود: هذہ دایرة تدفع السیل الدافق و تمنع الخیل السابق ولا تنفع الویل الطارق فی لیل الغاسق.<sup>۱۱</sup> علاوه بر این تزیینات، آیاتی از قرآن کریم و نمونه‌هایی از احادیث شریف نبوی و ابیاتی از شاهنامه فردوسی را بر روی تخته سنگهای مرمر سفید نقر کرده و در دیوارهای سور نشانده بودند.

است. مصحح محترم کتاب، در ذیل صفحات، سیصد مورد از آنها را با ذکر نشانی معرفی کرده است.

قدیمیترین شاهنامه مصور از دوران سلجوقیان. راحة الصدور راوندی در سال ۶۰۳ هـ ق اتمام یافته و در قونیه به غیاث‌الدین کیخسرو بن قلیج ارسلان تقدیم شده است. درست از همین سال، شاهنامه مصوری برجای مانده است که در مجموعه هنری «اجیت گوز» کلکته نگهداری می‌شود. نسخه‌ای که در سال ۱۹۳۱ به نمایشگاه هنر ایران، واقع در بارلینگتون هاوز لندن، فرستاده شده بود. از مشخصات کامل این نسخه اطلاعاتی در دست نیست. شرکت هودسون و کرنس لندن، عکسهای زیبایی از ۱۸۶ قلم انواع مختلف وسایل هنری ایران در نمایشگاه ۱۹۳۱ برای کمیته اجرایی نمایشگاه فراهم آورده و با عنوان «یادگاری مصور از نمایشگاه هنر ایران» منتشر کرده است. در آن مجموعه نفیس، یک برگ از این شاهنامه مصور کلیشه و چاپ شده است<sup>۸</sup> که از لحاظ خوانندگان می‌گذرد.

تجلیل مورخ در بار سلاجقه روم از فردوسی. از قرار معلوم، سلجوقیان، بعد از قرآن کریم و احادیث شریف نبوی، برای شاهنامه فردوسی بیشترین ارج و احترام را قایل بودند. آنان به این گنجینه بی نظیر صرفاً به عنوان منظومه‌ای ساده نمی‌نگریستند، بلکه آن را مجموعه پند و حکمت می‌دانستند و با تعبیر «حکم شاهنامه» از آن یاد می‌کردند. همچنانکه مؤلف راحة الصدور آن را «شاه‌نامه‌ها و سرآمد دفترها» خوانده است، ابن بی‌بی، مورخ مشهور دربار علاءالدین کیقباد نیز در تاریخ

طرح ۱. قلعه تبه قونیه



طرح ۲. دروازه سورقونیه



#### حاشیه

8) *Persian Art, An Illustrated Souvenir of the Exhibition of Persian art at Burlington House, London, 1931. p. 32*

۹) *الوامر العلاتیه فی الامور العلاتیه*، حسین بن محمد بن علی الجعفری (ابن بی بی)، نسخه عکسی، به اهتمام: نجاتی لوغال، صادق عدنان ارزی، آنکارا، ۱۹۵۶، ص ۷۲.

۱۰) همان، ص ۲۰۲

11) Friedrich Sarre: *Der Kiosk von Konia*, Berlin 1935.

این کتاب را معمار شهاب الدین اوز لوک Mimar Şahabeddin Uzluک با عنوان *Konya Köşku* (کوشک قونیه) به ترکی ترجمه و در آنکارا به چاپ رسانیده است. نگارنده از ترجمه اخیر (ص ۳۱) برخوردار بوده است.

۱۲) *الوامر العلاتیه فی الامور العلاتیه*، ص ۲۵۲ تا ۲۵۶؛ و نیز ترجمه تواریخ آل سلجوق (مختصر ابن بی بی)، طبع م. ت. هوتسما، بریل، ۱۹۰۲، ج ۳، ص ۲۵۸؛ و محمد فؤاد کوپرولو، *ترك ادبیاتندا ایلك متصوفلر*، استانبول، ۱۹۱۸، مطبعه عامره، ص ۲۱۶

۱۳) *حبیب السیر*، تهران، کتابخانه خیام، ج ۳، ص ۴۹۰.

۱۴) مأخوذ از کتاب Friedrich Sarre، *در دایرة المعارف اسلام*، چاپ استانبول نیز، ذیل Konya، قطعه‌ای از آن به طبع رسیده است.

ابن بی بی، مورخ دربار سلطان علاء الدین کیقباد، ذیل عنوان «ذکر عمارت باروی قونیه و سیواس و توزیع آن بر امرای دولت در سنه ثمان عشر و ستمائه» در این باره اطلاعات کافی به دست داده است که قسمتهایی از آن نقل می شود: «بزرگان دولت واعیان حضرت سلطنت در قونیه و سیواس اساس باروها آغاز کردند و به شب و روز بر قدر زور و توان و قدرت و امکان در اتمام آن عمارت قیام نمودند و به تعصب و حسد، بر حسب تحریضی که از هادی توفیق یافتند، اجتهادی هر چه بلیغ تر نمودند و از احکام قواعد و اعلای ابدان و تشیید بروج و تزیین و توشیح آن به انواع تصاویر و تمائیل رخام چون نقره خام، بروفق و نمونه مرم ناپ، در نقر حجر و کتب آیات قرآن و مشاهیر احادیث نبوی و امثال و حکم اشعار شاهنامه هیچ باقی نگذاشتند و در ایام قلائل، به فریزدانی و دولت سلطانی، از عمارت آن فراغت حاصل دیدند»<sup>۱۲</sup>

بنای حصار سنگی شهر سیواس نیز مطابق طرح قونیه در سال ۶۲۱ هـ به انجام رسیده بود. تیمور لنگ قلعه و حصار سیواس را ویران کرد<sup>۱۳</sup>؛ ولی سوره‌های سنگی شهر قونیه تا نیمه اول قرن نوزدهم میلادی باقی بود و جهانگردانی، چون کارستن نیپور، چارلز تکسیه، پل لوکاس، و لئون دلا بورد، آنها را دیده و از آنها طرحها تهیه کرده و درباره آنها مقاله‌ها نوشته‌اند که محض نمونه دو طرح از آنها، که در سال ۱۸۲۵ به دست دلا بورد تهیه شده، نقل می شود<sup>۱۴</sup>

امروزه کتیبه‌ها و هیكله‌های سنگی و بقیه آثار باستانی و ساختمانی سوره‌های قونیه در محلی «سر بسته و متروک» (Metruk Bedest)، در میان توده‌های خاک، در قونیه نگهداری می شود تا نقش بند تقدیر بر آینده آنها چه رقم زند.